

دو نکته مربوط بشرح حال شیخ بهائی

شیخ الاسلام بهاءالدین محمد بن حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمد بن علی جباعی یا جبلی عاملی حارثی همدانی لویزانی معروف بشیخ بهائی که نسبتش بحارث همدانی از یاران خاص امیرمؤمنان ع می‌پیوندد؛ و از معارف علمای متبحر و جامع و روشن بین شیعه در عصر شاه عباس بزرگ است؛ و بعبارت جامع تر و بقول صاحب اهل آلامل از علمای ماهر متبحر جامع و کامل و شاعر و نویسنده‌ای بوده که در عهد خود در فقه و حدیث و معانی و بیان و ریاضی و غیر اینها نظیر نداشته است. اصل شیخ از ناحیه جبل عامل و از خانواده معروفی از آنجاست، و جبل عامل ناحیه کوهستانی و خوش آب و هوایی است از لبنان - نزدیک شهر صیدا - که همواره یکی از مراکز مشهور دین شیعه در آسیای غربی بوده و هست؛ و از این سرزمین گروهی از پیشوایان بزرگ شیعه - از جمله شهید دوم (مقتول در ۹۶۶ هـ) - برخاسته‌اند.

شیخ بهائی در حدود ۹۵۳ هـ در بعلبک متولد شده است و در کودکی باتفاق پدر خود - که از علمای نامی شیعه بوده - در زمان شهریاری شاه طهماسب اول صفوی بایران آمد و اقامت گزید و بکسب علوم و معارف پرداخت؛ و در سال ۱۰۳۰ هـ در اصفهان وفات کرد؛ و پس از مرگ جنازه‌اش را بمشهد مقدس حمل کرده بخاک سپردند. منظور ما در این مقاله ذکر شرح حال این دانشمند جامع نامی نیست بلکه مقصود ذکر و توضیح دو نکته از شرح حال اوست که یکی مربوط بکلمه **جبع** یا **جباع** است که ویرا بآن نسبت داده‌اند؛ و دیگر بحث و تحقیق و دقت در محاسبه برخی از ماده تاریخهای فوت او که در حساب آنها اشتباه رخ داده.

نکته اول - کلمه **جبعی** یا **جباعی** مکرر در حواشی برخی از کتب بتوسط خود شیخ بهائی یا جدش شمس الدین محمد بن علی جباعی رقم شده و موجود است ولی مؤلفین معاصر از یا قریب‌العهد بعصر وی کمتر از این نسبت ذکر کرده‌اند؛ اما

تدریجاً در کتب بعدی این کلمه بچشم میخورد و کم کم یکی پس از دیگری به اقتباس از هم بغلط و اشتباه جبع یا جباع را قریه‌ای از قراء جبل عامل دانسته‌اند در صورتیکه این طور نیست .

در تذکره نصر آبادی که از ۱۰۸۳ بعد گرد آوری شده اینگونه دیده میشود (۱)
 « شیخ بهاء‌الدین محمد خلف مجتهد الزمانی شیخ حسین بن عبدالصمد جبعیست (دراصل جبلیست) که قریه‌ایست از قراء جبل عامل ... »

و مؤلف کتاب لؤلؤ البحرین که در ۱۰۹۹ هـ تألیف شده در ضمن حلال وی چنین مینویسد : « جبعی بجیم و بء نقطه‌دار که نقطه‌ای در زیر دارد قریه‌ایست از قراء جبل عامل » .

این گفته‌ها در کتابهای امل الآمل (سال تألیف ۱۰۹۷)، و روضه‌البهیة (سال تألیف ۱۲۷۸ هـ) و مستدرک الوسائل و غیر اینها هم آمده است . همچنین صاحب کتاب قصص العلماء که در تاریخ ۱۲۹۰ هـ تألیف شده است در ضمن شرح حال شیخ (ص ۱۷۴) می‌نکارد « نسبش بسوی جبع بجیم و بء موحده در تحت ، و آن قریه‌ایست از قرای جبل عامل ... »

و نیز از کتب معاصرین در کتاب احوال و اشعار شیخ بهائی تألیف استاد معظم آقای سعید نفیسی چاپ تهران این عبارت باقتباس و اقتضای از کتب گذشته (ص ۹) بطبع رسیده است : « خاندان وی از آغاز در جبل عامل در ناحیت شام و سوریه و قریه‌ای بنام جبع یا جباع میزیسته . » راجع بکلمه جبع یا جباع چنانکه گفته شد برای این نویسندگان اشتباهی رخ داده و این کلمه غیر از آنست که ایشان پنداشته‌اند و بعقیده نگارنده مقصود از این کلمه بقرار ذیل است :

جبعی یا جباعی منسوب به جبع یا جباع، نسبتی است بکلمه مرکب **جبل عامل** که در نسبت چند حرف از حروف آن بعنوان اختصار حذف شده است . این حذف برخی از حروف و اختصار در نسبت در زبان عربی مرسوم و معمول میباشد و بقیاس نسبت بکلمات ذیل صورت گرفته است .

عبدشمی (منسوب به عبدالشمس)، و عبقرسی (منسوب به عبدالقیس)، و عبدردی (منسوب به عبدالدار)، و عبدلی (منسوب به عبدالله، و تیملی (منسوب به تیم اللات)، و تلغفری (منسوب به تلغفراء) و مرقسی (منسوب به امرء القیس)، و امثال اینها.

پس بنا بر مقدمات بالا باید گفت که عده‌ای از نویسندگان شرح حال شیخ بعلمت عدم توجه بنکته بالا اشتبهاً کلمه جبع یا جباع را قریه‌ای از قرای جبل عامل فرض کرده‌اند که چنین قریه‌ای هیچوقت در جبل عامل وجود نداشته و ندارد.

نکته دوم - نکته دیگری که باید بنظر خوانندگان برسد مربوط بسال حقیقی مرگ شیخ و بحث در یکی دو ماده از ماده تاریخهای وفات اوست.

در مرگ شیخ بهائی که قطعاً در شب ۱۲ شوال ۱۰۳۰ هـ. ق. (۱) اتفاق افتاده، اختلاف کرده‌اند چنانکه برخی ۱۰۳۱ هـ (۲) و عده‌ای ۱۰۳۲ هـ، و (۳) و گاه ۱۰۴۰ هـ (۴) هم نوشته‌اند در صورتیکه این واقعه بحکم نوشته‌های مورخ معاصر وی مؤلف عالم آرای عباسی و محمد قاسم بن مظفر منجم وعده دیگری از معاصرین وی در تاریخ ۱۰۳۰ واقع شده است. و از ماده تاریخهای که در مورد مرگ وی ساخته‌اند عبارت: «افسر فضل اوفتاد و بی‌سروپا گشت شرع» می‌باشد؛ که صاحب تذکره نصر آبادی در کتاب خود (ص ۱۵۰) آنرا آورده است، و برطبق آن چون فضل بی‌سر یعنی (ضل = ۳۰ + ۸۰) را با شرع بی‌سروپا یعنی (ر = ۲۰۰) جمع کنیم بحساب جبل رقم ۱۰۳۰ بدست می‌آید که سال واقعی وفات شیخ می‌باشد.

در مرگ شیخ بهائی بعلمت شهرت و اهمیتی که برای وی قائل بوده‌اند ماده تاریخهای متعددی ساخته‌اند که برخی از آنها را نویسندگان بعلمت عدم آشنائی بطرز احتساب در محاسبه بدحساب کرده‌اند، و بنظر نگارنده این عدم توجه و اشتباه‌ها یکی از علل تشمت و اختلاف در سال مرگ وی شده است. حال قبلاً برای توضیح مطلب

۱ - الم آرای عباسی ص ۶۸۱ - تنبیهات محمد قاسم بن مظفر منجم (ص ۲۲۳ - ۲۲۴) - تذکره نصر آبادی (ص ۱۵۰) - طرائق الحقایق (ص ۱۳۷) بنقل از نوشته یکی از شاگردان شیخ بهائی عزالدین حسین بن حیدر کرکی عاملی - ریاض العارفین (ص ۴۵) - هدیه الاحیاب (ص ۱۰۹) - روضات الجنات بقولی. ۲ - نظام الدین ساوجی منتخب التواریخ (ص ۴۶۱) - خلاصه الاثر - معجم المطبوعات العربیه و المعریه - نخبه المقال - مطلع الشمس (ص ۳۸۸) . ۳ - روضة الصفاى اصری جلد هشتم ؛ ۴ - قاموس الاعلام ترکی زرگلی .

تذکر میدهد که در احتساب ماده تاریخها :

اولاً - فقط حروف نوشته شده و مکتوب را بحساب میآورند نه خوانده شده و مقروء، لذا نباید علامتها را مانند علامت همزه (ه) و تشدید (-) که علامت تکرار حرف است بحساب آورد.

ثانیاً - الف یا واو و یا یائی که بنام حروف اطلاق برای تکمیل وزن و قافیه با آخر شعر عربی افزوده میشود نباید بحساب بیاید.

الف - از ماده تاریخهای مورد بحث مایکی ماده تاریخ ذیل است که اعتمادالدوله میرزا ابوطالب خان پسر حاتم بیگ اردوبادی وزیر اعظم شاه عباس بزرگ گفته است :

رفت چون شیخ ز دار فانی گشت ایوان جنانش مأوی
دوستی جست ز من تاریخش گفتمش شیخ بهاء الدین وای (۱)

که از آن ۱۰۳۰ بدست میآید و با شنباه آنرا ۱۰۳۱ پنداشته اند، چه در آن ماده تاریخ همزه بهاء الدین که علامت است نباید در حساب داخل شود، و بحساب آورده اند.

ب - بر سنجی که بر قهر وی بعدها گذاشته اند مطالبی صحیح و نا صحیح کننده اند که از جمله اشعار است بعربی شامل ماده تاریخ مرگ او، که غلط و بد نوشته شده، و این امر هم عده ای را با شنباه افکنده، و در نتیجه سال مرگ را ۱۰۳۱ یا ۱۰۳۲ تصور کرده اند، در صورتیکه اگر درست نوشته می شد و صحیح حساب منک دندهمان ۱۰۳۰ سال حقیقی مرگ شیخ حاصل میگردد. و اشعار اینست :

« شمس العلوم والدین والحلم (۲) (۱) من کان باهی بها الفرس والعرب »

« لَمَّا توفی اصبحا بوفاته نور الهدی و ضیاء الدین قد غرب »

« لو شئت ذکر فی عام رحلتها فاذا کر « مسی و بهاء الدین قد ذهب »

در اشعار بالا الف در آن کلمه العرب و غرب و ذهب بقلط نوشته اند در صورتیکه نباید نوشته شود و ماده تاریخ بصورت غلط « مسی و بهاء الدین قد ذهب » در آمده و ایجاد اشتباه کرده است، چون الف اطلاق در « قد ذهب » و علامت همزه بهاء را نباید بحساب آورد ماده تاریخ مزبور باز سال حقیقی وفات شیخ را که ۱۰۳۰ است نشان میدهد.